

ورق‌هایی از یک کتاب خاکستری

باز نمایی تاریخی مشروطه ایرانی در صدوپنجمین سالگرد صدور فرمان مشروطه ...



باز نمایی تاریخی مشروطه ایرانی در صدوپنجمین سالگرد صدور فرمان مشروطه
ورق‌هایی از یک کتاب خاکستری

6 سال قبل از اینکه آغامحمدخان قاجار خود را در سال 1161 هجری خورشیدی پادشاه رسمی ایران بداند در آن سوی دنیا جورج واشنگتن در 4 جولای 1776 میلادی بعد از پیروزی بر استعمار بریتانیا توانست نخستین رئیس‌جمهور ایالات تازه استقلال یافته آمریکا شود

و تنها 13 سال بعد است که انقلاب فرانسه در سال 1789 به بار می‌نشیند و چند سال بعد از آن است که دانتون، وزیر دادگستری انقلابیون فرانسه، لویی شانزدهم شاه مخلوع فرانسوی و همسرش ماری آنتوانت و حدود 3 هزار نفر از سلطنت‌طلبان را در جلوی چشم انقلابیون به تیغ گیوتین می‌سپرد. در این احوال جهانی اما آغامحمدخان قاجار در ایران سلطنت سلسله‌ای را بنا نهاد که فرجامی دیگرگون را در تاریخ ایران زمین رقم زد؛ فرجامی که به ایجاد مجلس شورای ملی و قانون اساسی انجامید و اینگونه شد که از پس استبداد سلطنتی، جامعه ایرانی نیز صاحب مجلسی شد تا در آن همه مردم بتوانند به واسطه نمایندگانشان تصمیم بگیرند و متنی لازم‌الاجرا به‌عنوان قانون اساسی جایگزین خودکامگی‌های اشراف و وزرای انتصابی داشته باشند. در تاریخ ایران اما مشروطه را بدون شک می‌توان مهم‌ترین جنبش و موقف در میان پدیدارهای تاریخی جامعه معاصر ایرانی در ورود به جهان جدید قلمداد کرد که اگر چه خود متأثر از مشروطه‌خواهی‌های دولت‌های اروپایی بود اما وقوعش در ایران آن روزگار به زعم برخی، پیش‌راندنده بعضی از حرکت‌های مهم انقلابی در این گوشه از دنیا بود؛ حرکت‌هایی چون انقلاب ترک‌های جوان در سرزمین عثمانی (1909) و جنبش ملی مصر پس از جنگ اول جهانی.

اینکه مشروطه‌خواهی در بطن جامعه ایرانی چگونه نطفه بست، در کجا به بلوغ رسید و فرجامش چه شد را می‌توان از منظرهای گوناگونی نگریست؛ جنبشی که در میانه راه موافقان پروپا قرصش به مخالفانش تبدیل شدند و دست‌های پنهانی که روزی تشویق به تحصن مخالفان استبداد داشت و روزی دیگر در محاصره مجاهدین و به دار کشیدن ایشان تماشاگری عامل بود، تنها بخشی از پیچیدگی‌های فهم و تحلیل مشروطه‌خواهی ایرانی است. پرونده حاضر اما 105 سال پس از آن منتشر می‌شود که زیر درختان کهنسال صاحبقرانی در کاخ نیاوران شاهی که 40 سال ولیعهدی را تجربه کرده بود و عاشق سینماتوگراف، این پدیده عجیب دوران جدید شده بود تن به شیوه حکومت دوران جدید نیز سپرد و اینگونه فرمان مشروطیت در 14 جمادی‌الثانی سال 1324، مصادف با 13 مرداد 1285 هجری خورشیدی و 14 اگوست 1907 میلادی به امضای مظفرالدین‌شاه رسید.

طرفه اینکه شاه بیمار قاجار خودش کمتر از چند ماه بیشتر زنده نماند و فرزندش محمدعلی‌شاه که روی خوش و باطن مشوشی نسبت به مشروطه داشت، آخرین نفس‌های استبداد سلطنتی را با به وجود آوردن دورانی چون استبداد صغیر و استبداد کبیر رقم زد اما مشروطه نهایتاً با فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان تبریز و اصفهان و گیلان و دیگر ولایات ایران و فرار و خلع محمدعلی‌شاه به فرجام رسید؛ فرجامی که البته شهادت کسانی را که زنگ خطر به ناکجاآباد رفتن جنبش را گوشزد می‌کردند نیز به همراه داشت. بزرگمردی چون شیخ فضل‌الله نوری که به تعبیر جلال‌آل احمد در کتاب «غرب‌زدگی»¹⁷¹؛ بر سر دار همچون پرچمی بود که به علامت استیلای غرب‌زدگی پس از 200 سال بر بام مملکت ما افراشته شد و اکنون در لوای این پرچم ما شبیه به قومی از خود بیگانه‌ایم.

و این سرگذشت مشروطه است که روش‌مندی مطالعات تاریخی امروز ما را برآن می‌دارد تا هرازچندی به بازخوانی آنچه در طول و عرض این جنبش اتفاق افتاده و آنچه بر ایران معاصر رفته است بپردازیم.

1229 خورشیدی تأسیس دارالفنون اگرچه اندکی بعد از عزل امیرکبیر از صدراعظمی و در سال 5 ربیع‌الاول 1268 قمری/ 1229 خورشیدی بود که دارالفنون شروع به کار کرد اما می‌توان ریشه‌های آشنایی ایرانیان با تجدیدی که به مشروطه‌خواهی انجامید را از اقدامات اصلاحی امیرکبیر و از جمله تأسیس دارالفنون پیگیری کرد. فعالیت‌هایی چون تشویق صنعت‌گران و فرستادن گروهی از آنان برای آموختن صنعت روز جهان به اروپا و آوردن معلمان خارجی و نشر روزنامه و ترجمه کتاب‌های خارجی از جمله این اقدامات بود.

(1 اسفند 1268 خورشیدی) انتشار روزنامه قانون توسط میرزا ملک خان در لندن

8 مارس 1891 (18 اسفند 1270) اعطای امتیاز توتون و تنباکو به مائور تالبوت انگلیسی قرارداد تالبوت در تاریخ قاجاریه یکی از قراردادهای استعماری است که به نخستین مبارزات مردمی با رهبری روحانیت انجامید. طبق این قرارداد خرید و فروش توتون و تنباکو به مدت 50 سال به انحصار مائور تالبوت و شرکایش درمی آمد و در برابر این امتیاز مقرر شده بود دولت ایران سالانه 15 هزار لیره و یک چهارم از سود ویژه از فروش این کالا را دریافت کند. سرگرد جرال. اف تالبوت را نخست وزیر وقت انگلیس در سفر ناصرالدین شاه به اروپا به او معرفی کرده بودند. جورج کرزن در کتاب ایران و قضیه ایران رمز چگونگی انعقاد این قرارداد را در رشوه بگیری سران و مسئولان سلطنتی معرفی می کند.

1892 میلادی (1271 خورشیدی) لغو قرارداد بر اساس مبارزات و فتوای تحریم میرزای شیرازی بدون شک این گام موفق ضد استبدادی مردم به رهبری مرجع تقلید زمان، میرزای شیرازی که به لغو قرارداد تالبوت و البته جریمه دادن قاجار انجامید را می توان به عنوان جرعه های نهضت بیداری و - بیشتر البته - مبارزه دینی برای منافع ملی قلمداد کرد.

اول ماه می 1896 (11 اردیبهشت 1275) قتل ناصرالدین شاه در حرم شاه عبدالعظیم قتل مظهر استبداد مقتدر قاجاری به ضرب گلوله میرزا رضای کرمانی، از مریدان سید جمال الدین اسدآبادی که دولت های غربی و استبدادهای شرقی را نیز به ستوه آورده بود، در جشن پنجاهمین سالگرد پادشاهی اش گویی سرآغاز مقابله قهرآمیز با استبدادی بود که جز خشونت منطقی نمی توانست داشته باشد. تکانه های اجتماعی این ترور را می توان بعدتر در تاریخ مشروطه و ترور شاهان دیگر قاجار و همین طور چند صدراعظم مستبد پی گرفت.

(18 خرداد 1275) به سلطنت رسیدن مظفرالدین شاه بعد از چهل و اندی سال ولیعهدی

(تیر 1277) انتشار روزنامه فارسی زبان ثریا در قاهره

29 ژانویه 1900 (دی 1278) قرارداد نخستین قرضه از دولت روسیه در زمان صدراعظمی امین السلطان، مظفرالدین شاه برای سفر به اروپا نیاز به پول پیدا کرد. امین السلطان پس از ناکامی در تقاضای پول از بلژیکی ها و انگلیسی ها به روس ها روی آورد. روس ها با پیش شرط های سنگینی اعلام آمادگی کردند که مبلغی معادل 5/22 میلیون منات در ازای پرداخت 5 درصد بهره و برای مدت 75 سال و همچنین در اختیار گرفتن گمرکات شمال به ایران وام دهند. قرار بود تاوان لغو قرارداد تنباکو به مبلغ 500 هزار لیره به بانک شاهنشاهی نیز از این قرضه پرداخت شود. این قرارداد نیز ناراضیاتی عمومی را برانگیخت.

نوامبر 1901 (پاییز 1279) قرارداد بازرگانی و تعرفه گمرکی با روسیه طبق این تعرفه کالاهای وارداتی از روسیه از تعرفه های بسیار نازل تری نسبت به کالاهای وارداتی از سایر کشورها برخوردار شد. این قرارداد در کنار تعرفه گمرکی بازرگانان ایرانی در صدور کالاهای صادراتی خود به روسیه بسیار غیرعادلانه بود. از طرفی در پی ناراحتی دولت انگلستان در عقب ماندن از روس ها در امتیازگیری، دولت وقت ایران تنها چند ماه بعد پیمان گمرکی جدیدی با بریتانیا منعقد کرد.

21 ماه می 1901 (31 اردیبهشت 1280) اعطای امتیاز نفت جنوب به دارسی طی امتیازنامه رسمی دولت شاهنشاهی ایران، اجازه تفتیش، تفحص، پیدا کردن، استخراج و بسط دادن و حاضر کردن برای تجارت و نقل و فروش محصولات گاز طبیعی و نفت و قیر و موم، در تمام وسعت ممالک ایران در مدت 60 سال به انگلستان اعطا شد. این قرارداد که بار دیگر در سال 1933، در دوره رضاشاهی با تغییراتی به مدت 10 سال تمدید شد، زمینه مبارزات وسیع ضد استعماری در ایران را فراهم کرد.

22 ژانویه 1905 (2 بهمن 1283) انقلاب روسیه پس از شکست روسیه از ژاپن در جنگ 1904-1905 و گسترش هرج و مرج داخلی در این کشور، نیکلای دوم، امپراتور روس ناگزیر از صدور بیانیه ای مبنی بر پذیرش برخی از آزادی های اساسی شد. این تحولات با عنوان انقلاب بورژوا دمکراتیک از انقلابات مشروطه آغاز قرن بیستم بود و تأثیرات فراوانی روی شرایط ایران و تندتر شدن حرکت انقلاب مشروطیت در کشور محسوب می شود.

1283 تشکیل فرقه ایرانی اجتماعیون- عامیون در باکو حضور گسترده کارگران ایرانی مقیم قفقاز و رفت و آمد در ناحیه آذربایجان و گیلان موجب آشنایی ایرانیان با اندیشه های سوسیال دمکراسی و آشوب های تفلیس و بادکوبه شد. این آشنایی زمینه تشکیل حزب همت شد که مدتی بعد شاخه ای از آن کمیته سوسیال

دمکرات ایران یا فرقه اجتماعیون و عامیون نام گرفت که در سال 1905 شاخه‌های خود را در تبریز و سایر شهرهای دیگر پایه‌گذاری کرد.

مارس تا آوریل سال 1905 (اسفند 1283 تا فروردین 1284) دوران ناآرامی و اعتراض و اعتصابات ضدیت با مسیو نوز و اتحاد آیات عظام طباطبایی و بهبهانی

به‌دنبال گماردن موسیو نوز بلژیکی که پیش‌تر به خاطر چاپ عکسی اهانت‌آمیز از او (نسبت به روحانیت) و همین‌طور دیگر مشکلات سیاسی، بسیار منفور بود به وزارت پست و تلگراف نارضایتی مردم از وی گسترش یافت. در این میان برخی روحانیون مانند آیت‌الله سیدعبدالله‌بهبهانی علیه وی و علیه عین‌الدوله، صدراعظم وقت که به نارضایی مردم اهمیتی نمی‌داد، فعال شده بودند.

11 دسامبر سال 1905 (20 آذر 1284 شمسی) علاءالدوله، حاکم تهران برخی از بازرگانان معترض را به چوب بست در این تاریخ واردات قند از روسیه به خاطر جنگ با ژاپن کم شده بود در نتیجه قیمت قند در تهران و مناطق دیگر ایران گران شد. تا قبل از این زمان قند یک من، یک قران بود اما در این زمان یک من، 8 - 7 قران شد. علاءالدوله، حاکم تهران اقدام به سختگیری با بازرگانان کرد و 17 نفر از ایشان را از جمله بازرگان معتبری به نام حاجی سیدهاشم را به فلک بست. همین امر به ناآرامی‌ها دامن زد و موجب اعتراض شدید مردم، تجار و روحانیون شد.

(بهار 1284) بست‌نشینی بازرگانان و برخی روحانیون نامی در مسجد شاه

13 دسامبر 1905 (22 آذر 1284) تحصن حدود 2 هزار نفر در حرم شاه‌عبدالعظیم و درخواست عدالتخانه- مهاجرت صغری ناآرامی‌های به وجود آمده باعث هم‌صدایی و اتحاد بازرگانان و روحانیت در اعتراضات گسترده و تعطیل بازار تهران و تحصن گروه بزرگی از تجار همراه با روحانیون مشهور شهر نظیر طباطبایی، بهبهانی، صدرالعلماء و شیخ محمدصادق کاشانی در حرم حضرت عبدالعظیم شد. در این تحصن برای نخستین بار خواست تشکیل عدالتخانه در سراسر ایران به همراه خواست‌های دیگر مطرح شد.

(دی‌ماه 1284) متحصنین استعفای امین‌الدوله را از مظفرالدین شاه درخواست می‌کنند

یک ژانویه 1905 (22 دی‌ماه 1284) صدور فرمان شاه برای تأسیس عدالتخانه و بازگشت متحصنین به‌دنبال اعتراض شدید مردم به رفتن علما از شهر و اطلاع شاه از این اعتراضات به صدراعظم خود عین‌الدوله امر کرد: «#171؛ البته مقاصد آقایان را اجرا دارید و آنها را تا فردا بیاورید به شهر...». عین‌الدوله با تلگراف به متحصنین قول داد که شاه با خواست‌های آنان موافقت خود را اعلام داشته است و از آنان درخواست کرد که به تحصن خود پایان داده به شهر بازگردند. پس از حدود یک‌ماه از تحصن، روز جمعه، 16 ذیقعه، مهاجرین متحصن با استقبال رسمی و مردمی برگشتند.

(2 بهمن 1284) شاه طی دستخطی امین‌السلطان را از صدراعظمی برکنار می‌کند

جولای 1906 (تیر و مرداد 1285) بست‌نشینی ملیون در قم و باغ سفارت - مهاجرت کبری پس از بازگشت متحصنین از حرم عبدالعظیم، عین‌الدوله، صدراعظم روز به روز فشار و سرکوب را بیشتر می‌کرد اما همچنان تهییج مردم ادامه داشت. این برخوردها در نهایت به کشته‌شدن طلبه‌ای به نام سید عبدالحمید انجامید و به‌دنبال آن گردهمایی و شورش مسجد آدینه و تعطیل بازار، شورش در شهر، تحصن روحانیون در مسجد و پافشاری آنان بر در خواست ایجاد عدالتخانه بیشتر شد. پس از اینکه سختگیری علیه متحصنین افزایش یافت رهبران جنبش قصد مهاجرت به قم کردند. آنان در راه، نامه‌ای به شاه نوشتند و در آن متذکر شدند که چنانچه شاه به وعده‌هایش عمل نکند، ایشان جلای وطن می‌کنند. در این مهاجرت شیخ فضل‌الله‌نوری نیز در اتحاد با دیگر علمای نجف و قم بود. عبارت مشروطه و مشروطه‌خواهی نیز در این دوران بود که وارد ادبیات مردم و علما شده و بر سر زبان‌ها افتاده بود. در این میان گروهی دیگر از معترضین از جمله تعدادی از بازرگانان که همراه روحانیون بودند، اما شهر را به قصد رفتن به قم ترک نکرده بودند به‌خاطر فشارهای حکومتی به بست‌نشینی در مساجد و اماکن دیگر و همچنین باغ سفارت انگلیس نیز روی آوردند. برخی اسناد تعداد متحصنین را در این برهه تا 14000 نفر می‌دانند.

5 آگوست 1906 (14 مرداد 1285)، صدور رسمی فرمان مشروطه نامه‌هایی میان روحانیون، شاه و ولیعهد رد و بدل شد. محمدعلی میرزا، ولیعهد، که در آن هنگامه در رقابت و دشمنی با عین‌الدوله قرار داشت، به دفاع از مهاجرین برخاسته بود. شاه که در این میان در جریان کامل مآووقع و ابعاد بحران قرار گرفته بود، در پاسخ به مطالبات مردم و رهبران آنها، در روز 13 مرداد 1285 فرمانی صادر کرد که از آن در تاریخ ایران تحت عنوان فرمان مشروطیت نام می‌برند. این فرمان روز بعد یعنی در 14 مرداد روز مشروطیت انتشار بیرونی داده شد.

9 سپتامبر 1906 (18 شهریور 1285)، صدور نخستین قانون انتخابات

پس از صدور فرمان مشروطیت روز شنبه 26 مرداد در سرای مدرسه نظام، نشست باشکوهی با حضور همه علما، سران تلاشگران، درباریان و وزیران به منظور گشایش مجلسی موقت تشکیل شد. این مجلس تامدتی هر هفته 2 بار برپا می‌شد و نظام‌نامه انتخابات نمایندگان ملت را تدوین می‌کرد. به‌رغم مخالفت‌های خودکامگان به رهبری عین‌الدوله و ایجاد موانع بسیار، این نظام‌نامه در 18 شهریور به امضای شاه رسید و بر اساس آن نخستین انتخابات نمایندگان 60 گانه تهران آغاز شد.

7 اکتبر 1906 (15 مهر 1285)، گشایش مجلس اول در تهران
مجلس اول در این تاریخ که مصادف بود با 18 شعبان 1324 در تهران گشایش یافت. در این مجلس نمایندگان به تدوین قانون اساسی پرداختند. در این تاریخ بر پایه قانون اساسی، مجلس وظایف مالی زیر را بر عهده داشت: تهیه بودجه و نظارت بر اجرای بودجه کشوری تصویب انتقال یا فروش منابع زیرزمینی و تصویب قراردادهای صنعتی و کشاورزی تصویب تغییر مرزهای کشور تصویب قراردادهای و عهدنامه‌ها با دولت‌های خارجی تصویب تشکیل کمپانی‌های ملی تصویب هر گونه قراردادهای دولتی تصویب اعتبار و وام‌های دولتی، تصویب ساختن راه‌ها و راه‌آهن.

7 اکتبر 1906 (15 مهرماه 1285) افتتاح مجلس اول در تهران و افتتاح انجمن تبریز
اخبار تهران به تبریز که زیر سرکوب و فشار محمدعلی میرزا و کمبود نان بود، می‌رسید. شایع بود که شاه از امضای نظام‌نامه انتخابات خودداری می‌کند. تبریزیان نیز به شیوه تهران درصدد بست‌نشینی در کنسولگری انگلیس برآمدند. بازرگانان و روحانیون در این حرکت همراه شده و اختلافات و درگیری‌هایی که تا آن زمان در این منطقه به نام گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی متداول بود کنار گذاشته شد. انقلابیون تبریز راه چاره در برابر فشارهای محمدعلی میرزا و همچنین پیشرفت امور را از تهران جویا شدند. پاسخ دیرکرد و تحصن آنها به 10 روز کشید. در این فاصله شاه ناگزیر از پاسخ مثبت به خواست تبریزیان که به صراحت مشروطه‌خواهی بود، شد. در این میان بر مبنای نظام‌نامه انتخابات، ابتدا نمایندگان تهران برگزیده شدند و مجلس شورای ملی کار خود را آغاز کرد. این نظام‌نامه مردم را به 5 گروه (طبقه) تقسیم می‌کرد: شاهزادگان (4 تن) علما (4 تن)، اعیان و بازرگانان (10 تن)، زمین‌داران و کشاورزان (10 تن)، پیشه‌وران (32 تن). به این ترتیب بیشترین نمایندگان تهران به طبقه بازرگانان و پیشه‌وران تعلق داشتند.

14 نوامبر 1906 (23 آبان 1285) ایده ممنوعیت قرضه خارجی و ایده تأسیس بانک ملی
پس از تشکیل مجلس، حاج‌مخبرالسلطنه از سوی صدراعظم مشیرالدوله لایحه استقراض مجدد از دول خارجی برای پرداخت هزینه‌ها و بدهی‌های دولت را برای تصویب به مجلس آورد. در مجلس حاج‌امین‌الضرب ضمن سخنانی در رد این لایحه و نشان دادن ادعاهای بی‌پایه دولت مبنی بر احتیاج به پول، برای نخستین بار ایده تأسیس بانک ایرانی با سرمایه ملت را مطرح کرد. این ایده به شدت مورد حمایت مردم در کشور و در شهرهایی چون تهران و تبریز واقع شد و مردم برای جمع‌آوری سرمایه نخستین آن، به‌ویژه زنان، از خود فداکاری‌های بسیار نشان دادند.

(آبان 1285) تشکیل شورای نظارت بر انتخابات

30 دسامبر 1906 (9 دی‌ماه 1285) توشیح قانون اساسی
قانون اساسی مشروطه پس از تدوین توسط مجلس برای امضای شاه به دربار فرستاده شد اما درباریان و دولت در به امضا رساندن و عودت آن تعلل می‌کردند. در این میان محمدعلی میرزا که به سبب بیماری مظفرالدین شاه با استقبال بزرگان مشروطه‌خواه وارد تهران شده و بلافاصله نیز جانشین وی شده بود، برای حفظ حمایت 2 آیت‌الله مشروطه‌خواه بهبهانی و طباطبایی، از خود همراهی نشان می‌داد. وی پسر مشیرالدوله، صدراعظم را فرستاد تا نمایندگان بیایند و در مورد بندهایی از قانون اساسی مذاکره شود. مذاکرات بیشتر بر سر مجلس سنا بود که به توافق رسیدند و قانون اساسی مشروطیت در واپسین روزهای زندگی مظفرالدین شاه به تأیید وی رسید.